



# شهرها چگونه

خوانش شهر در آینه متون شهری

## محدودیت‌های رویکردهای رایج شناخت شهر

چگونه می‌توان شهر را شناخت؟ در مطالعات رایج، دورویکرد مسلط در شناخت شهر وجود دارد، اما هر دو تصویری ناقص از آن ارائه می‌دهند. نخست، رویکرد فنی و برنامه‌ریزی‌شده، که شهر را صرفاً به زیرساخت‌ها، شبکه‌های حمل‌ونقل، مقررات شهری و مداخلات مدیریتی تقلیل می‌دهد. در این دیدگاه، شهر هم‌چون یک ماشین تلقی می‌شود که باید از طریق قوانین مهندسی، اصلاحات مدیریتی و سیاست‌گذاری‌های کلان کنترل و هدایت شود. در نتیجه، این رویکرد، شهر را نه یک پدیده اجتماعی پویا، بلکه یک مسئله فنی و اجرایی در نظر می‌گیرد که باید حل شود. غفلت از فرآیندهای اجتماعی، مناسبات قدرت، نقش مردم در تولید فضا و مقاومت‌های شهری، از پیامدهای این نگرش است.

دوم، رویکرد انتزاعی و نظری، که شهر را صرفاً در سطح مفاهیم کلان و مدل‌های نظری بررسی می‌کند، بدون آن‌که ارتباط آن را با تجربه زیسته مردم، سیاست‌های شهری و فرآیندهای عینی درک کند. در این نگاه، شهر نه به‌عنوان یک پدیده اجتماعی ملموس، بلکه به‌عنوان یک مقوله انتزاعی و نظری صرف تلقی می‌شود. نتیجه این نگرش، شکاف میان تحلیل‌های نظری و واقعیت‌های شهری است؛ در این چارچوب، شهر به مجموعه‌ای از مفاهیم انتزاعی تبدیل می‌شود که از پیوند با زندگی روزمره ساکنان آن گسسته است.

هردوی این رویکردها به‌تنهایی قادر به ارائه‌ی شناختی جامع از شهر نیستند؛ یکی بیش از حد فنی و مکانیکی است، دیگری بیش از حد انتزاعی و غیرملموس. شناخت شهر نه می‌تواند صرفاً مدیریتی و کالبدی باشد، نه صرفاً نظری و انتزاعی. **آن‌چه ضروری است، بینش شهری است؛ بینشی که بتواند مطالعه‌ی نظری را با مشاهده‌ی دقیق، تحلیل اجتماعی و تجربه‌ی زیسته‌ی شهری ترکیب کند.** ضعف این دوروش شناخت شهر، پیامدهای گسترده‌ای در سیاست‌گذاری شهری

## شهر را چگونه باید دید؟

در دهه‌های اخیر، شهرهای ما صحنه‌ی انبوه مداخلات بوده‌اند: پروژه‌های عمرانی، برنامه‌های فرهنگی، طرح‌های اقتصادی و اجتماعی، نوسازی‌ها، ساخت‌وسازهای گسترده و تغییراتی که بی‌وقفه بر پیکره شهر اعمال شده است. با این حال، تجربه زندگی روزمره نشان می‌دهد که کیفیت زندگی شهری بهبود نیافته و در بسیاری حوزه‌ها روبه‌افول است. ترافیک و آلودگی، فرسودگی فضاهای عمومی، گسست پیوندهای اجتماعی و احساس فرایند بی‌نظمی و ناپایداری، نشانه‌هایی هستند از بحرانی عمیق‌تر از آن‌چه در گزارش‌های فنی یا کمبود منابع دیده می‌شود. این بحران، پیش از آن‌که بحران طرح و پروژه باشد، بحران در شیوه دیدن شهر است.

واقعیت این است که ما هنوز نمی‌دانیم چگونه باید شهر را ببینیم. نگاه‌های رایج، یا شهر را به‌سازهای فنی و مهندسی فرو می‌کاهند که باید ساخته، اصلاح و ترمیم شود؛ یا آن را در سطحی انتزاعی و کلی رها می‌کنند که نسبتی با واقعیت زیسته ندارد. در نتیجه، **شهر در مقام یک پدیده زنده، پویا و چندلایه از دسترس فهم ما خارج می‌ماند. آن‌چه ما غالباً می‌بینیم سطح شهر است، در حالی‌که شهر در عمق ساخت‌ها، نیروها و تجربه‌ها کار می‌کند.** نامرئی شدن شهر از همین‌جا آغاز می‌شود؛ در ساخت‌هایی که چنان تثبیت شده‌اند که دیگر دیده نمی‌شوند؛ در نیروهایی که چنان سیال‌اند که از برابر چشم عبور می‌کنند؛ و در تجربه‌هایی که چنان زیسته‌اند که بدل به عادت شده‌اند.

در میان این لایه‌های نامرئی حرکت می‌کنیم بی‌آن‌که آن‌ها را مسئله کنیم؛ و همین ندیدن سبب می‌شود که بسیاری از مداخلات شهری، سطحی، ناپایدار یا حتی مخرب شوند. **کالبد را تغییر می‌دهیم اما نیروها را نمی‌بینیم؛ سیاست‌گذاری می‌کنیم اما تجربه‌های زیسته را نمی‌خوانیم؛ برنامه می‌نویسیم اما ساخت‌هایی را که تاریخ در آن‌ها رسوب کرده نادیده می‌گیریم.** این همان چرخه‌ای است که خود را بازتولید می‌کند و شهر را به سوی بحران‌های پیچیده‌تر سوق می‌دهد.





اجتماعی و کنش‌های روزمره‌ی شهروندان درک کرد. به همین دلیل، برای فهم شهر باید آن را خواند، تحلیل کرد و نیروهای سازنده‌ی آن را شناخت. این امر مستلزم بینشی شهری است که بتواند فراتر از لایه‌های سطحی حرکت کند و سازوکارهای پنهانی را که در تولید و بازتولید فضا نقش دارند، آشکار سازد.

### دعوت به دیدن دوباره شهر

ضرورت «شهرخوانی» از همین جا پدیدار می‌شود. شهرخوانی تلاشی است برای بازگرداندن شهر به میدان دید، برای احیاء توان دیدن آن چه در هیاهوی روزمره پنهان شده است. این دوره صرفاً انباشتی از مفاهیم نیست؛ تمرینی است برای پرورش افقی تازه در دیدن، افقی که بتواند شهر را در سه سطح درهم‌تنیده‌اش بخواند: ساخت‌هایی که تاریخ در آن‌ها رسوب کرده، نیروهایی که در لحظه فضا را بازتولید می‌کنند، و تجربه‌هایی که معنای زندگی شهری را شکل می‌دهند. در پیوند این سه بُعد است که شهر هم چون یک کل زنده و پویا آشکار می‌شود.

شهرخوانی از همین پیوند آغاز می‌شود: از تلاش برای دیدن دوباره شهری که در اثر عادت، سرعت، داده‌های پراکنده و مداخلات سطحی نامرئی شده است. این دوره می‌کوشد توانایی خواندن شهر را بازسازی کند؛ خواندنی که بدون آن، هر مداخله‌ای محکوم به تکرار همان چرخه‌هایی است که امروز به بحران انجامیده‌اند. **اگر شهر را درست نخوانیم، نمی‌توانیم آن را تغییر دهیم؛ و اگر نتوانیم شهر را تغییر دهیم، هیچ تغییر پایداری در زندگی جمعی ممکن نخواهد بود.**

شهرخوانی دعوتی است به بازگشودن چشم در برابر شهری که در آن زیست می‌کنیم، اما کمتر آن را می‌خوانیم. دعوتی برای احیاء نگاه زنده، برای اندیشیدن در دل شهر، و برای فهم دوباره شهری که تنها با خواندن است که می‌توان آن را چنان‌که باید ساخت.

دارد. رویکردهای فنی، به دلیل بی‌توجهی به نیروهای اجتماعی و مناسبات قدرت، اغلب به سیاست‌هایی منجر می‌شوند که با نیازهای واقعی مردم انطباق ندارند. از سوی دیگر، رویکردهای انتزاعی، هر چند چارچوب‌های تحلیلی پیچیده‌ای برای شناخت شهر ارائه می‌دهند، اما در غیاب مشاهده‌ی میدانی و تحلیل واقعی، قادر به ارائه‌ی راهکارهای عملی برای مسائل شهری نیستند. در نهایت، بدون ترکیب بینش نظری، مشاهده‌ی شهری و تحلیل اجتماعی، هر شناختی از شهر ناقص و ناکارآمد خواهد بود.

### شهر به مثابه یک نظم پیچیده: فراتر از کالبد و زیرساخت

شهر صرفاً مجموعه‌ای از خیابان‌ها، ساختمان‌ها و زیرساخت‌های فیزیکی نیست، بلکه یک نظام پیچیده و پویای اجتماعی - سیاسی است که در آن، قدرت، اقتصاد، فرهنگ و روابط اجتماعی به شکلی درهم‌تنیده عمل می‌کنند. شهر نه فقط مکان زندگی و فعالیت اقتصادی، بلکه میدانی از نیروهای متضاد و متداخل است که در قالب سیاست‌گذاری‌ها، مناسبات طبقاتی، برنامه‌های توسعه، مقاومت‌های اجتماعی و دگرگونی‌های کالبدی تجلی می‌یابند. این نیروها نه تنها بر شکل‌گیری فضاهای شهری اثرگذارند، بلکه الگوهای تعامل اجتماعی، کیفیت زندگی و حتی فرآیند شکل‌گیری هویت‌های فردی و جمعی را نیز رقم می‌زنند. با این حال، این فرآیندهای بنیادین اغلب از نگاه شهروندان پنهان می‌مانند. **آن چه در تجربه‌ی روزمره‌ی ما بدیهی به نظر می‌رسد، مانند خیابان‌هایی که در آن‌ها حرکت می‌کنیم، میدان‌هایی که در آن‌ها جمع می‌شویم، یا مراکز تجاری که در آن‌ها خرید می‌کنیم، در واقع نتیجه‌ی نیروهای اقتصادی، سیاسی و شهری‌ای است که فضا را هدایت، تنظیم و کنترل می‌کنند.** اما چه عواملی تعیین می‌کنند که برخی فضاها در اولویت توسعه قرار بگیرند، در حالی که برخی دیگر به حاشیه رانده شوند؟

برای درک این مناسبات، نگاهی فراتر از مدل‌های متعارف برنامه‌ریزی شهری و تحلیل‌های فنی - مدیریتی ضروری است. شهر را نمی‌توان صرفاً براساس تصمیمات مهندسی و مداخلات شهرسازی توضیح داد، بلکه باید آن را به‌عنوان محصولی از مناسبات قدرت، سیاست‌های اقتصادی، ساختارهای



## به حلقه شهرخوانان بپیوندید

شهرخوانی می‌خواهد هسته‌ای نخستین از کسانی را شکل دهد که بتوانند این نگاه را در ادامه مسیر، در کارهای پژوهشی، در فعالیت‌های میدانی، در تحلیل‌های شهری و در پروژه‌های مشترک به‌کار گیرند. شرکت‌کنندگان طی این دوره، به حلقه شهرخوانان می‌پیوندند: جایی برای تبادل تجربه، تحلیل چالش‌ها، صورت‌بندی راه‌حل‌ها و سیاست‌ها، و توسعه پروژه‌هایی که نگاه شهری را به عمل و کنش مؤثر پیوند می‌زند.

**هدف ما از این دوره، تنها آموزش نیست؛ بنای یک همراهی بلندمدت با کسانی است که می‌خواهند به صورت جدی در فهم، تحلیل و کنش شهری نقش آفرینی کنند.** این نقطه‌ایست که کنش‌گر به سطحی فراتر از «مطالبه‌گر» مرسوم می‌رسد، ما نمی‌خواهیم تنها به شیپورهای درصدایی بدل شویم که تقدمان تنها گوش‌خراش باشد، بلکه با آگاهی از سلول‌های قدرت در شکل‌گیری شهر و نقاط تحول‌آفرین آن، تغییر و اصلاح و بهینه کردن شهر را مقصد خود می‌دانیم. مقصدی که جز با حلقه‌ای متنوع از کنشگران و آگاهان این عرصه میسر نمی‌گردد.



## سه لایه خوانش شهر

خواندن شهر تنها با گردآوردن اطلاعات یا تکرار مثال‌های شهری ممکن نمی‌شود. شهر پدیده‌ای است چندلایه، پیچیده و ساخته‌شونده؛ و فهم آن نیازمند دستگامی است که بتواند میان لایه‌های متفاوت واقعیت شهری تمایز برقرار کند و در عین حال پیوند میان آن‌ها را آشکار سازد. مدل نظری این دوره از همین ضرورت برمی‌خیزد: فراهم کردن یک شیوه‌اندیشیدن که بتواند چشم‌اندازهای مختلف شهر را در سه سطح درهم‌تنیده بگشاید و امکان خواندن شهر را در تداوم، پویایی و تجربه زیسته‌اش فراهم کند. این سه سطح نه طبقه‌بندی‌های منفصل، بلکه سه بُعد از یک واقعیت واحدند؛ سه دریچه برای دیدن شهری که هم ساخت است، هم فرایند، هم جهان زیسته.

شهر به مثابه فرم / *Formed City*

شهر به مثابه فرایند / *Becoming City*

شهر به مثابه تجربه / *Lived City*

**سطح نخست،** شهر را هم‌چون ساختی رسوب‌کرده نشان می‌دهد؛ لایه‌ای از تاریخ، تصمیم‌ها، سیاست‌ها، طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که در فضا تثبیت شده‌اند و اکنون هم‌چون نظمی بدیعی و طبیعی پیش چشم ما ظاهر می‌شوند. فضا در این سطح تنها ظرف نیست، بلکه محصول فرایندهایی طولانی‌مدت است که در زمان‌های مختلف شکل گرفته‌اند و اکنون در قالب کالبد، زیرساخت، الگوهای سکونت و ریخت‌های فضایی، زندگی امروز را قاب‌بندی می‌کنند. اندیشه تولید اجتماعی فضا در لوفور، اقتصاد سیاسی فضا در هاروی، تحلیل ساخت فضایی در سوگا و فهم زیرساخت به‌مثابه نیروی سازمان‌دهنده در گراهام و ماروین، همگی ما را به این آگاهی می‌رسانند که شهر هرگز «از نو» آغاز نمی‌شود؛ بلکه تاریخ‌هایی پنهان در لایه‌های آن رسوب کرده‌اند و آن‌چه امروز بدیعی می‌پنداریم، محصول منازعات، تصمیم‌ها و انتخاب‌هایی است که پیش از ما صورت گرفته‌اند. پرسش بنیادین این سطح آن است که: این نظم تثبیت‌شده از کجا آمده و چه تاریخ‌ها و نیروهای در شکل‌گیری آن سهم داشته‌اند؟ چه چیزهایی را بدیعی می‌بینیم که در واقع تاریخ متجسند و باید دوباره خوانده شوند؟

**سطح دوم** شهر را از این حالت ساخت‌یافته خارج می‌کند و آن را هم‌چون میدان نیروهایی نشان می‌دهد که در لحظه عمل می‌کنند، برخورد می‌کنند، هم‌افزا می‌شوند یا یکدیگر را خنثی می‌کنند. در این سطح، شهر «آن‌چه هست» نیست، بلکه «آن‌چه می‌شود» است: صحنه‌ای زنده که در آن قدرت‌ها، منافع، سرمایه، عادت‌ها، فناوری‌ها، هویت‌ها، سیاست‌ها و کنش‌های روزمره به‌طور پیوسته در حال شکل‌دادن به فضا هستند. نظریه قدرت و حکومت‌مندی فوکو، نقد سرمایه شهری در هاروی، تاکتیک‌های زیست‌روزمره در دستر، بدنیت کنش‌مند در سنیت، و نظریه کنش شبکه‌ای در لاتور، همگی دریچه‌هایی‌اند برای دیدن شهر به‌مثابه فرایندی در کار؛ فرایندی که در آن نیروها هم سازنده‌اند و هم مخرب، هم مولد امکان و هم مولد تنش. بسیاری از مسائل شهری، از نابرابری تا حذف فضاهای عمومی، از مالی‌سازی تا نفوذ فناوری، در همین سطح رخ می‌دهند، جایی که نیروها فضا را دوباره می‌سازند و تجربه انسان‌ها را بازتعریف می‌کنند. پرسش محوری این سطح این است که: اکنون چه نیروهایی در شهر عمل می‌کنند و چگونه این نیروها، چه کلان و چه خرد، در لحظه فضا را بازتولید می‌کنند؟ این پویایی‌ها چه شکلی از شهر را می‌سازند و چه آینده‌هایی را امکان‌پذیر یا ناممکن می‌کنند؟

**سطح سوم** شهر را از چشم‌انداز تجربه انسانی می‌خواند؛ سطحی که در آن شهر تنها ساخت یا میدان نیرو نیست، بلکه جهان زیسته ماست. شهر در این سطح در ریتم‌های زندگی روزمره، در احساس امنیت یا ترس، در حس مکان و تعلق، در خاطره‌ها، در نحوه حرکت بدن‌ها، در نحوه دیدن و شنیدن، و در روابطی که میان افراد شکل می‌گیرد حضور دارد. اندیشه تجربه مدرنیته در برمن، مفهوم بدنیت و تماس‌پذیری در سنیت، امر روزمره در لوفور، و سنت‌های پدیدارشناختی فضا و حافظه، همه نشان می‌دهند که شهر فقط بیرون از ما نیست؛ درون ما نیز هست. در این سطح است که می‌توان دید چگونه ساخت‌ها و نیروها در نهایت در بدن‌ها، احساس‌ها و ادراک‌ها رسوب می‌کنند و چگونه معنای شهر در تجربه زیسته انسان کامل می‌شود. پرسش بنیادین این سطح آن است که: شهر چگونه در بدن، حافظه، احساس و ادراک ما تجربه می‌شود؟ و تجربه زیسته چه لایه‌هایی از واقعیت شهری را آشکار می‌کند که ساخت و نیرو به‌تنهایی قادر به نشان‌دادن آن نیستند؟

**در یک نگاه کلی در سطح ساخت آن چه تثبیت شده است را می‌خوانیم؛ در سطح نیرو، آن چه در جریان است را می‌خوانیم؛ و در سطح تجربه، آن چه در بدن، حافظه و حس رسوب کرده است را می‌خوانیم.** این سه سطح در کنار هم دستگامی فراهم می‌کنند برای خواندن شهر؛ دستگامی

## سطح اول: ساختارها

شهر به مثابه ساخت رسوب کرده، نظم فضایی، تاریخ، برنامه ریزی، زیرساخت



### • بنیان شهر؛ جیمز اسکات

کتابی درباره این که چگونه دولت‌ها «شهر» را می‌بینند و چگونه این نگاه، فضا را شکل می‌دهد. اسکات نشان می‌دهد چرا بسیاری از پروژه‌های مدرن‌سازی شکست خورده‌اند و چگونه طرح‌های شهری، زندگی روزمره را دگرگون می‌کنند.

برای کسانی که می‌خواهند بفهمند پشت نظم‌های شهری چه تاریخ و چه ایدئولوژی‌ای پنهان است.



### • فضاهای شهری جدید؛ نیل برنز

برنز جهانی‌شدن را نه یک مفهوم انتزاعی، بلکه فرآیندی می‌بیند که شهرها را از درون بازاریابی می‌کند. این کتاب نقشه تولید فضایی جدید را نشان می‌دهد؛ این که چگونه مقیاس‌ها، مرزها و نقش‌های شهری دگرگون شده‌اند.

برای کسانی که می‌خواهند بفهمند چرا شهر امروز چنین صورت‌بندی تازه و پیچیده‌ای پیدا کرده است.



که شهر را نه یک بار و از یک منظر، بلکه در سه بُعد درهم‌تنیده می‌بیند: شهری که در ساخت‌ها رسوب می‌کند، در نیروها به حرکت درمی‌آید، و در تجربه انسان‌ها معنا می‌گیرد. مدل نظری دوره، راهی است برای دیدن پیوند میان این سه بُعد؛ برای آن که شهر را هم در اکنون و هم در گذشته، هم در ساخت و هم در فرایند، هم در بیرون و هم در درون انسان فهم کنیم. هدف این مدل ساده‌سازی شهر نیست، بلکه امکان‌پذیر کردن خواندن آن است؛ خواندنی که بتواند شهر را در پویایی، پیچیدگی و زیست‌مندی‌اش آشکار سازد و نسبت ما را با آن روشن‌تر کند. به یک معنا این سه سطح نه سه مسیر جداگانه، که سه حرکت هم‌زمان‌اند: هر ساخت، تاریخ نیروهایی است که در گذشته عمل کرده‌اند؛ هر تجربه، اثر نیروهایی است که بر ساخت‌ها رسوب می‌کنند.

## متون پیشنهادی دوره شهرخوانی

متون این دوره تنها برای «مطالعه» انتخاب نشده‌اند، بلکه برای آن انتخاب شده‌اند که چشم را به لایه‌های پنهان شهر بگشایند. هر کتاب، پنجره‌ای است به یکی از سه سطحی که شهر در آن ساخته می‌شود، به حرکت درمی‌آید و زیسته می‌شود. این مجموعه، نقشه‌ای از اندیشه‌های شهری معاصر است: از ساختارهای رسوب‌کرده‌ای که شهر را شکل می‌دهند، تا نیروهایی که آن را به حرکت وامی‌دارند، و تجربه‌هایی که در بدن، حافظه و ریتم زندگی شهری رسوب می‌کنند. **هدف آن است که شرکت‌کننده بتواند در گفت‌وگو با این متون، شیوه‌ای تازه برای دیدن و خواندن شهر پیدا کند؛ شیوه‌ای که شهر را نه صرفاً به عنوان مکان، بلکه به مثابه یک پدیده زنده، چندلایه و پرمسئله آشکار سازد.**



ناقص خواهد ماند. برای کسانی که می‌خواهند منطق تولید فضا را در سطحی فلسفی و تحلیلی درک کنند.



### ● پساکلان شهر؛ ادوارد سوچا

سوچا شش گفتمان تحلیلی برای فهم کلان‌شهر معاصر ارائه می‌کند و نشان می‌دهد چگونه فضا، قدرت، تفاوت و ساختار در کلان‌شهر درهم تنیده می‌شوند. این کتاب راهی است برای فهم چشم‌اندازهای پیچیده و چندسطحی شهر امروز. برای کسانی که می‌خواهند کلان‌شهر را هم‌چون شبکه‌ای پیچیده از نیروها و فضاهای درهم‌تنیده بخوانند.

### سطح دوم: نیروها

شهر به مثابه میدان نیروهای زنده: سرمایه، قدرت، کنش، تمایز، شبکه، سیاست



### ● شهرهای مصرفی؛ مالکوم مایلز

مایلز نشان می‌دهد چگونه مصرف، میل، بدن و بازار در شهر عمل می‌کنند و چگونه فرهنگ مصرفی، سازمان فضایی شهر را دگرگون می‌سازد. برای کسانی که می‌خواهند منطق فرهنگی - اقتصادی‌ای را بفهمند که امروز بسیاری از تحولات شهری را هدایت می‌کند.



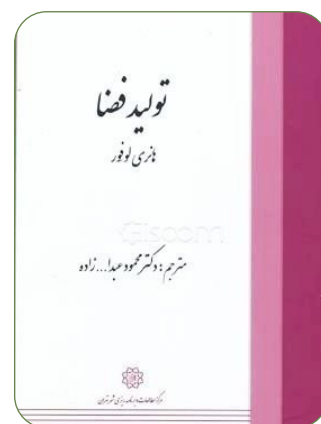
### ● تولید اجتماعی فضای شهری، مارک گاتدینر

گاتدینر فضا را نه ظرفی خنثی، بلکه محصولی اجتماعی معرفی می‌کند؛ محصولی که نیروهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در آن رسوب کرده‌اند. این کتاب ابزارهای ضروری برای تحلیل ساخت فضایی شهر را فراهم می‌کند. برای کسانی که می‌خواهند ببینند چگونه روابط پنهان، ساختارهای آشکار شهری را تولید می‌کنند.



### ● تاریخ شهر؛ لوییس ممفورد

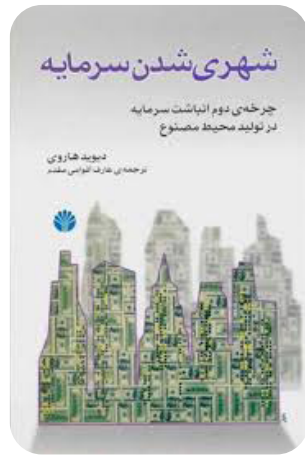
ممفورد روایتی جامع از مسیر شکل‌گیری شهر دارد: از نخستین تجمع‌ها تا کلان‌شهرهای مدرن. او نشان می‌دهد چگونه تغییرات تکنیکی، اقتصادی و فرهنگی در طول تاریخ در قالب ساختار فضایی شهر تثبیت شده‌اند. برای کسانی که می‌خواهند شهر امروز را در پرتو تاریخ بلند تحول آن بفهمند.



### ● تولید فضا؛ هانری لوفور

لوفور فضا را محصولی اجتماعی و تاریخی می‌داند؛ چیزی که به واسطه روابط و نیروها تولید می‌شود. این کتاب چارچوبی بنیادی برای فهم ساختار شهری فراهم می‌کند و بدون آن نگاه به شهر معاصر همواره





### • شهری شدن سرمایه؛ دیوید هاروی

هاروی شرح می‌دهد چگونه منطق انباشت سرمایه، ساخت و گسترش فضا را هدایت می‌کند؛ چگونه بحران‌ها، نابرابری‌ها و گسترش بی‌وقفه شهر ریشه در پویایی سرمایه دارند. برای کسانی که می‌خواهند نیروهای کلان اقتصادی را که شهر را می‌رانند، بفهمند.

### سطح سوم: تجربه زیسته

شهر به مثابه زیست‌جهان: بدن، ادراک، حافظه، احساس، تعلق، ریتم، عمومیت



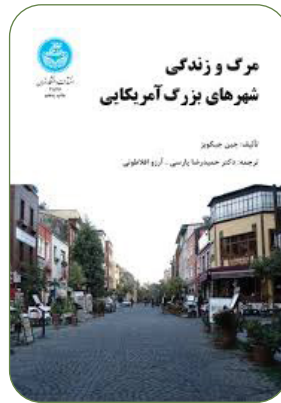
### • ایمان در خیابان؛ کیتی دی

کتابی درباره تجربه دینی در فضای شهری: این که چگونه خیابان می‌تواند صحنه ظهور معنویت، آیین و حضور جمعی باشد. برای کسانی که می‌خواهند نسبت شهر و معنویت را از منظر تجربه زیسته بفهمند.



### • عدالت شهری؛ سوزان فاینشتاین

فاینشتاین پرسشی بنیادی طرح می‌کند: «شهر عادلانه چیست و چگونه می‌توان آن را ساخت؟» او نشان می‌دهد چگونه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و قدرت، نابرابری‌های فضایی را تولید یا تشدید می‌کنند. برای کسانی که به عدالت فضایی و نقش سیاست در شکل‌دهی شهر توجه دارند.



### • زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکایی؛ جین جیکوبز

جیکوبز از دل خیابان سخن می‌گوید. او نشان می‌دهد زندگی شهری چگونه شکل می‌گیرد، چگونه نظم خرد روزمره از پایین ساخته می‌شود، و چرا بسیاری از طرح‌های کلان بالا به پایین شکست می‌خورند. برای کسانی که می‌خواهند نیروی زندگی شهری را از دل خیابان بشنوند.



### • کردارهای زندگی روزمره؛ میشل دوسرتو

دوسرتو توضیح می‌دهد مردم چگونه با تاکتیک‌های روزمره‌شان ساختارهای شهری را دور می‌زنند، به چالش می‌کشند یا بازمعنا می‌کنند. برای کسانی که می‌خواهند قدرت کنش خرد و مقاومت پنهان در دل زندگی روزمره شهری را بشناسند.



بدن، روز و شب. او نشان می‌دهد تجربه شهری با زمان و ریتم گره خورده است. برای کسانی که می‌خواهند شهر را با حس، صدا و زمان بفهمند.



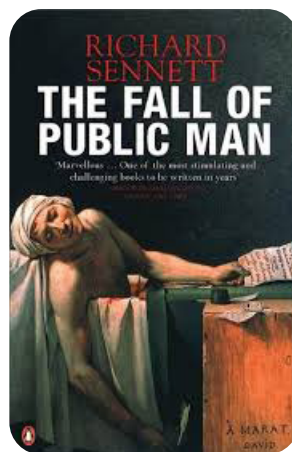
### • نامکانها؛ مارک اوژه

اوژه تجربه معاصر انسان در فضاهای بی‌هویت، مثل فرودگاه‌ها، اتوبان‌ها، مراکز خرید را تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد چگونه این فضاها احساس تعلق، ریشه‌مندی و ارتباط را تضعیف می‌کنند. برای کسانی که می‌خواهند صورت‌بندی تازه تجربه شهری در جهان فرامردن را درک کنند.



### • مدرنیسم در خیابان؛ مارشال برمن

برمن تجربه زیستن در مدرنیته را در قالب صحنه خیابان تحلیل می‌کند: شتاب، گسست، آشفتگی، اضطراب و امید. برای کسانی که می‌خواهند لحظه «بودن در شهر» را از درون مدرنیته لمس کنند.



### • سقوط انسان عمومی؛ ریچارد سنیت

سنیت نشان می‌دهد چگونه فضاهای عمومی تضعیف شده‌اند، چگونه بدن‌ها، نگاه‌ها و فاصله‌ها در شهر سامان می‌یابند، و چرا روابط اجتماعی در شهر شکننده شده‌اند. برای کسانی که می‌خواهند بفهمند چرا رابطه ما با دیگری در شهر شکننده شده است.



### • ضرباهنگ کاوی؛ هانری لوفور

لوفور شهر را هم چون میدان ریتم‌ها می‌خواند: ریتم کار، خیابان، حرکت.



## شکل برگزاری دوره:

برگزاری دوره شهرخوانی در قالب‌های متنوعی دنبال خواهد شد:

۱. درسگفتار هفتگی (متن خوانی) یا حضور استاد و راهبر
۲. رویدادهای متمرکز نیم‌روزه
۳. نشست‌های ماهیانه پیرامون مسائل شهری قم
۴. بازدید میدانی از مراکز و نهادهای مؤثر در حوزه اداره و سیاست‌گذاری شهری
۵. دیدار با نمونه‌های موفق کنش‌گری شهری

## مزایا و فرصت‌های دوره شهرخوانی

- کسب‌گواهی‌نامه معتبر از دانشگاه باقرالعلوم (ع) در پایان دوره
- کسب‌آمادگی میان‌رشته‌ای برای ورود به حوزه‌ی پژوهشگری شهری
- فرصت همکاری در طرح‌ها و پژوهش‌های شهری برای شرکت‌کنندگان برگزیده
- امکان معرفی به مراکز پژوهشی و نهادهای شهری برای ادامه‌ی همکاری و فعالیت
- حمایت مادی و معنوی از آثار، مقالات و جستارهای برگزیده‌ی شرکت‌کنندگان دوره

جهت کسب اطلاعات بیشتر به شماره تلفن ۰۹۹۰۷۶۲۹۸۸۲ در پیام‌رسان ایتا پیام دهید.

